



polite

(adj.) having or showing behaviour that is respectful and considerate of other people.



Example:
He's such a polite person. He always thinks about others and minds his manners.



۱

ادب

(صفت) داشتن یا نشان دادن رفتاری که احترام آمیز و ملاحظه داشتن افراد دیگر هست.

مثال:

او یک چنین شخص مؤدبی است. او همواره فکر می کند درباره دیگران و نظرشان در مورد رفتارشان.

پس یک فرد مهم نیست در چه سنی باشد، چه سطح هوشی داشته باشد در چه طبقه ای از نظر درآمد و یا پرستیژ اجتماعی باشد و یا چه مکتبی داشته باشد و ... چنانچه او دیگران را «مورد ملاحظه» قرار داد می گوئیم دارای «ادب» است و هر چقدر این «مراعات دیگران» در اندازه فکر او بیشتر باشد ادب بیشتری دارد. مثلاً یک لات که همیشه فحش می دهد وقتی در برابر من سعی می کند من را رعایت کند از آن بسیجی که به طور معمول فحش رکیک نیم دهد می تواند «مودب» تر در برابر من در نظر گرفته شود.



اینکه یک مرد در اتوبوس یا مترو جایش را به یک خانم بدهد یک رفتار مؤدبانه است و اگر این رفتار را توأم با یک لفظ محترمانه مانند «بفرمایید» انجام دهد نشان دهنده شخصیت جنتلمن اوست.

هیچ کس به یک ربات که سلام می کند نمی گوید «مودب» البته او رفتار مودبانه را طبق الگوریتمی که دارد انجام می دهد. مودب بودن یک رفتار انسانی است یعنی یک انسان اختیار دارد که ادب داشته باشد و دیگران را مورد ملاحظه قرار دهد و نسبت به آنها در رفتاری که می کند فکر کند یا نکند و آنچه را دلش می خواهد انجام دهد.

شیوه گفتار و رفتار ما به آن شکلی که فکر می کنیم درست است می شود ادب ما. اخلاق در سطحی ترین شکل خود در روابط با دیگران در «ادب» فرد تجلی پیدا می کند. اینکه پیامبران و دانشمندان که هر دو دارای فهم و شعور هستند بسیار مودب تر از متوسط جامعه هستند به دلیل اینست که آنها اخلاقی تر هستند و رویه اخلاق، ادب است.



اوج ادبیات ما سعدی است و حافظ اما من دوست دارم به جای نقل قول از کسانی که در اوج برخورداری های دنیا به پند و اندرز مردم و داشتن ادب و خلق و خوی نیکو می پردازند به آنچه خودم به عنوان یک فرد قانع و در سطح پایین ترین مردم از لحاظ داشتن ثروت هست، رسیده ام پردازم اگرچه ابیات و صحبت های آنها هم استفاده می کنم.

در محفلی که خورشید اندر شمار ذره است

خود را بزرگ دیدن، شرط ادب نباشد

شاید مراد حافظ از محفل کل عالم باشد و «بزرگ دیدن»، تکبر در برابر خداوند باشد. مطمئناً آن کس که در مقابل مردم «ادب» نیاموخته است در برابر خداوند هم به سختی می‌توان گفت که راه ادب را به درستی طی کرده است.

ادب در برابر خداوند یعنی انجام شعائر دینی و مناسک (آداب) مذهبی. آیا شما به مادر و پدر و یا دوست خود که او را محترم می‌شمایید هرگونه دل بخواید رفتار می‌کنید چون او را دوست دارید یا نه، چون او را بیشتر دوست دارید سعی می‌کنید بیشتر حواس‌تان باشد حرفی نزنید که زشت باشد، جسارت و گستاخی باشد؟ این حرف از روی نادانی است که کسی بگوید من با کسی صمیمی هستم و هر طور دوست داریم صحبت می‌کنیم اگر دقت کنید لات‌ترین لات‌ها افتخارشان اینست که حداقل جلوی دیگر «ادب» را رعایت کند. آنها خیلی از بی‌صفتی و ناجنسی‌ها و حدود خدا را رد کرده‌اند و این را هم که نگه داشته‌اند چون دیگر چیزی ندارند که فرق‌شان با حیوانات را نشان دهد پس سعی می‌کنند در این یکی رعایت کنند.

۳

ممکن است لات‌ها که به نظر من پهلو به پهلو ارادل و اوباش هستند این حرف من را بشنوند خب شاید تلنگری باشد برای اینکه بدانند افراد باهوش می‌دانند چیزی به نام شخصیت برای افرادی که حدود خدا را زیر پا می‌گذارند و آنچه هوس می‌کنند انجام می‌دهند و افتخارشان «ادب» است وجود دارد و این ادبی که آنها رعایت می‌کنند مثل همان اسلامی است که بسیجی‌ها ادعای آن را دارند و از همین رو می‌گوییم «بدها» مثل هم هستند فقط هر کدام بسته به شرایطی که در آن قرار می‌گیرند برای خود در جستجوی «هویت» هستند.

ممکن است سوال کنید طبق تعریف ادب، این لات‌ها دارند چیزی را برای انسان‌های دیگر رعایت می‌کنند، بله اما من می‌گویم اگر ادب آنها دارند یک استاد دانشگاه ادبیات و یا یک بالاشهری هم ادب دارند پس چه فرقی است؟ پاسخ اینست که فقط در حد سلام و علیک شبیه هستند و الالات‌ها اصلاً شخصیتی ندارند مثل خیلی از بسیجی‌ها و سپاهی‌ها.



بارها و بارها در خودم به فکر فرو رفتم و مثال‌های متعددی را در ذهن مرور کردم که چطور می‌شود یک فرد ادب داشته باشد اما اخلاق نداشته باشد؟ آیا یک فردی که غذای کثیف به مشتری می‌دهد با روی خوش یک فرد بی‌اخلاق اما مودب است؟ آیا یک مهندسی که خیلی سروقت سر ساختمان می‌آید و با بیانی گرم و دلنشین خوش و بش می‌کند و هر چی صاحب‌کار می‌خواهد یک جوروی قوانین را دور می‌زد بی‌اخلاق اما مودب است؟ با افرادی بحث کردم و وقتی به ادبیات و فرهنگ مراجعه کردم دیدم هر چیزی ادب خاص خودش را دارد. آن کسی که از کارش می‌زند ادب کار خود را رعایت نکرده است اما ادب «معاشرت با مشتری» را رعایت کرده.

همیشه به این اعتقاد داشتم که کسی که ادب ندارد را مورد آزمایش قرار داد به این معنا که شانسی برای او در دوستی و معامله قائل شد اما از آن سو دریافته‌ام که ادب ظاهری – که این روزها حتی بچه‌های خردسال هم در آن تبخیر یافته‌اند – شرط لازم است و باید مطمئن شد که طرف دارای تعهد و شخصیت کاری است برای معامله و دارای تقید و احساس مسئولیت است در رابطه فردی. پس هر بی‌ادبی را می‌توان با اطمینان خوبی رد کرد اما هر بی‌ادبی را نباید مورد اطمینان قرار داد.

ساختارها در تنظیم روابط افراد بسیار نقش دارند. یادتان می‌آید زمانی صف شیر و مواد غذایی کوپنی بود و مردم چه بی‌ادبی‌هایی که به خاطر وضعیت نامناسب توزیع به یکدیگر نمی‌کردند. مطمئناً زمانی که در کارت‌های بانکی پول واریز شد خیلی از ساختارهایی که موجبات بروز بی‌ادبی‌ها را ایجاد می‌کرد جلوگیری شد. می‌توان دید تا چه اندازه سیستم‌های قوی اجتماعی موجب تربیت افراد می‌شود.

شرایط بسیار سخت اقتصادی موجب رو در رو شدن اعضای خانواده و شکسته شدن حرمت‌ها شده است و الا ایرانی‌ها اینقدرها هم بی ادب نیستند. همچنین وضعیت فقر و گرانی موجب از میان رفتن احترام میان همسایه‌ها، همکارها و ... می‌شود چرا که افراد در دریای متلاطم مشکلات، توان اینکه خود را با مهارت‌هایی که آموخته‌اند نگه دارند ندارند و متأسفانه بسیاری به مسخ‌شدگی می‌رسند.

باید امیدوار باشیم که شعور انسانی به داد ما برسد و افرادی که دارای فهم بیشتری دارند بتوانند آن قسمت حیاتی وجود ما را از بالقوه به بالفعل در آورند تا بتوانیم همانطور که در دوران جنگ ایران و عراق و همچنین مشکلات اقتصادی پس از آن با مهربانی با یکدیگر، قناعت را سر لوحه قرار دادیم بار دیگر در برابر این دشمن مشترک، رژیم جمهوری اسلامی و پولدارها، با اتکا بر خداوند بر آن هدف شریفانه که به دام دنیا افتادن از دست دادن ارزش‌هاست فائق آئیم.

۵

من باور دارم ادبی که وجود دارد نشانه‌ای است بر اینکه ما می‌توانیم آن قوه درونی مان را بیدار کنیم. همانطور که ادب هنوز جامعه ما را از بسیاری از بی‌حرمتی‌ها نسبت به یکدیگر حفظ کرده است و ته مانده انسانی مان را به رخ مان می‌کشد از این کف موجود به بالا بلندایی که رفعت دارد می‌توانیم برسیم که قناعت در دنیا خوب است و در راهیابی به کمال آخر بدی است.

ممکن است بگویید آخوندهای رژیم هم مردم را به «قناعت» توصیه می‌کنند درست است اما آنها قسمت دوم توصیه من که رفتن به بالا بلندای کمال انسانی را نمی‌گویند. آنها می‌گویند جیره‌ای که می‌دهیم را بگیرد و خدا را شکر کنید و من به شما مردم می‌گویم آنچه خدا می‌دهد را شکر می‌کنیم و با هم در دل مهربانانه همدلی می‌کنیم و سعی می‌کنیم در زندگی تعاون داشته باشیم و همدیگر را در خیر و نیکی یاری کنیم و از بدی باز بداریم و بدانیم این دنیا فقط و فقط محل گذران است. با این رژیم و عمال عیان آن (بسیجی و سپاهی و امنیتی) و مزدوران پنهان آن (لات‌ها و ارادل و اوباش و بی‌عاریها) ادب را بخاطر حفظ عرض و جان و آبرو داریم تا وقتش برسد.

ادب در توصیه رفتاری قرآن گاه مستقیم و بیشتر به صورت ضمنی مطرح است. اول از همه که اسلام با کسی دعوا و بحث و جدال ندارد، هر کس خواست با شنیدن دعوت به حق از سوی افرادی که خودشان عامل به عمل صالح هستند، حرف درست بر دل شان می‌نشیند و هدایت می‌شوند و یا نمی‌خواهند و راه خود را با لجاجت ادامه می‌دهند از منظر قرآن، نه تنها پیامبر اسلام بلکه پیامبران به این طریق دعوت خود را انجام می‌دادند. اگر انذار و تبشیری هم بوده است کاملاً با همین بیان صریح اما متین و مؤدبانه بوده است.

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا— آیه ۷۲ - سوره فرقان
و کسانی که گواهی دروغ نمی‌دهند و هنگامی که بر لغو بگذرند، با بزرگواری می‌گذرد.

در تفسیر این آیه آمده است که افراد مؤمن در مجلس‌هایی که اعمال لغو و مبتذل هستند حاضر نمی‌شوند و وقتی در معرض کارهای باطل و لغو قرار می‌گیرند با متانت و بزرگواری می‌گذرند.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ— آیه ۱۵۹ سوره آل عمران

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده میشدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.



باید یادمان باشد که همواره به انسان‌ها احترام بگذاریم. دیده‌ام که تا چه اندازه ایرانی‌ها نسبت به برخی افراد که دارای خصوصیاتى هستند مثلا یک قومیت، یک کشور یا یک حالت ظاهری خاص هستند چه نوع نگاه بی‌ادبانه و غیر محترمانه دارند.

بیایید از این پس هیچ جوک که اهانت به یک قومیت دارد را نه بگوییم و نه اگر می‌توانیم بشنویم و برای اینکه بی‌ادبی هم نشود می‌توانید با رفتاری متین یک نوع نهی از منکر داشته باشید. مسخره کردن لهجه‌ها و زبان‌ها هم بی‌ادبی است و این اشتباه است که فکر کنیم چون به شخصی خاص نیست، مجاز است. شوخی و مزاح کاملا مشخص است اما مسخره کردن یعنی اینکه درصدي احتمال بدهیم کسی که چنین ویژگی‌ای یا خصوصیتی دارد رنجیده شود. اگر شک داشتید نگوئید. متأسفانه این روزها بی‌هنرهای ایرانی که خب به برکت جمهوری اسلامی زیاد هستند چون در هر فعالیت درستی با مالیات و

مشکل تراشی سریع به بن‌بست می‌خورد اما اراذل و اوباش ولات‌ها خیلی راحت فعالیت دارند و از نوع پولدارش که خیلی آزادتر هر غلطی می‌کنند از دین و فرهنگ و مقدسات تا فرهنگ و قومیت را مسخره می‌کنند اما به مقام عظمای قاسم سلیمانی و دیگر بی‌ارزش‌ها کاری ندارند اینها همان‌هایی هستند که گلوله ساچمه‌ای در تفنگ بسیجی‌ها می‌گذارند و پوتین‌های آنها را لیس می‌زنند فقط کافی خوب به چشمان آنها نگاه کنید حقارت و رذالت از آنها می‌بارد. ما گفتیم شادی کنید اما در آن بغض به رژیم ظالم نباشد عین حیوانیت است.

در خانواده همواره اختلاف هست، میان دوستان و همکاران همواره اختلاف نظر پیش می‌آید در این نوع مواقع بیایید «صبر» کنید و به جای محکوم کردن به پیدا کردن راه حل فکر کنید اگر این (اختلاف) در مورد یک مشکل است و اگر مشکلی نیست، «گذشت» داشته باشید مطمئن باشید خود طرف به شما بر می‌گردد و بسیار بیشتر احتمال دارد نظر شما را بپذیرد اگر نه آن زمان در مواقع بعدی.

یادتان باشد ادب لات‌ها، پایین‌ترین درجهٔ ادب است و مرامی که آنها دارند هم بسیار پیش پا افتاده است. شما نباید هیچ‌گاه خود را با این افراد مقایسه کنید. ملاک ادب، همان ادبی است که پیامبران داشتند. سعی کنید طوری باشید که لقمان بود، یعنی از بی ادبی دیگران هم بیاموزید و مطمئن باشید مردم وقتی شما را «آرام» ببینند یاد می‌گیرند که می‌شود محبوبیت را بدست آورد و خشم و خالی کردن غضب راه درست کسب آرامش نیست. برنامه‌های صدا و سیما و سینما و تئاتر جمهوری اسلامی و حتی ادبیات مورد تشویق آن پیوسته در پی ایجاد وجهه‌ای موجه برای لات‌ها بوده است چه به صورت طنز که در برنامه‌های مهران مدیری وجود دارد و چه به صورت سریال‌هایی حتی با مضمون مثلاً دینی مانند «شب دهم». معیار ادب، همان چیزی است که نزد اساتید ادبیات و فلسفه و فرهنگ مورد تایید فرهیختگانی نظیر شجریان است. به تازگی یک مصاحبه‌ای از گلپا (خوانندهٔ رژیم گذشته که برادرش گلریز پیوسته برای جمهوری اسلامی با خوانندگی دم‌تکانی می‌کرده است) در مورد شجریان دیدم که سراسر بی ادبی بود و دریافتم چرا چنین فردی اصلاً محبوبیت ندارد، چون ادب مقام بزرگان را بلد نیست رعایت کند.

فرامش کند خشم راه ادب ننگه دار خود را ز خشم و غضب

خشم یک حالت روحی و روانی است که البته با تمرین‌هایی که برای تربیت خود داریم از جمله صبر را ارزش خود ساختن می‌توانیم تا حدی جلوگیری کنیم اما مهارت‌های رفتاری نیز بسیار مؤثر است که بتوانیم خشم خود را با سنجیده‌ترین حالت بروز دهیم. خود من وقتی که به من بی ادبی می‌شود با تذکر ابتدا واکنش نشان می‌دهم که این تذکر با زبان بدن ابتدا هست یعنی در صورت، ناراحتی و رنجیده شدن را نشان می‌دهم و اگر فرد اصرار داشت، او را کنار می‌گذارد انگار چنین کسی وجود ندارد.

برخی فکر می‌کنند دینی و اسلامی و اخلاقی بودن یعنی همان یک رفتاری که از حضرت عیسی علیه السلام نقل شده است که اگر به یک طرف صورت شما سیلی زدند، طرف دیگر را جلو ببرید و یا آن رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله که به عبادت آن کسی که بر رویش خاک‌روبه می‌ریخت رفت. نه! اینها الگوی رفتاری متداول نیستند بلکه الگوی تبت قلبی هستند. اگر پیامبر به دیدار آن فرد رفت، مطمئن باشید آن فرد لیاقت داشته و پیامبر احتمال تبتّه را می‌داده و الایمابر به کسی که بی‌شخصیتی از سر و رویش می‌برد که اعتنایی نمی‌کند. مؤمن عزیز است و خود را برای هر بی‌سری و پایبی کوچک نمی‌کند. البته مؤمن، غیض‌اش روی حساب و کتاب است، مهربانی و دلسوزی‌اش هم همین. پس از این به بعد به خودتان احترام بگذاریم و نگذارید پشت یکسری جملات شما را از داشتن یک زندگی آزاد و توام با بزرگی محروم کنند. دیده‌اید می‌گویند، 'دختر که نباید بخندد' یا 'زن که نباید صدایش شنیده شود' و 'جواب بزرگ‌تر از نده! زشت است' (کنایه از اینکه هر چی بزرگ‌تر گفت قبول کن) بگذاریم از اینکه پایش برسد و قرار باشد تملق و چاپلوسی هر قید و بند و چنین حیاهایی هم از بین برود کک‌شان نمی‌گزد. مرز بین «رعایت ادب» و «بی‌ادبی» اینست که ما «بی‌تفاوت» باشیم. به عبارت دیگر بسیاری از موارد لازم نیست ما ملاحظه و رعایت مردم را اصل قرار دهیم، بلکه کافی است «بی‌ملاحظگی» و «نادیده‌گرفتن» را نداشته باشیم. صفر و صدی نباشید اینکه یا احترام کامل یا بی‌احترامی.

در مورد ادب همین بس که بدانید مهمترین بخشی است که شما را به دیگران معرفی می‌کند و بسیاری فقط و فقط برای داشتن «ادب» و «احترام» حتی ظاهری به دیگران، توانسته‌اند در کارشان موفق باشند. یادتان باشد که ادب یک مهارت است که می‌توانید کسب کنید و اگر باهوش هستید خودتان بی‌آنکه از کسی بیاموزید می‌توانید یاد بگیرید.